

## شرح پرسش پاسخ نیافته من، از سوی جلالتمآب جمیلی

### جلالتمآب جمیلی صاحب!

آنچه شما زحمت کشیده و در ۳۴ صفحه گرد آورده اید، هیچگاه پاسخ پرسش من نیست. زیرا من پرسیده بودم: «... از جلالتمآب شما احترامانه تقاضا دارم تا از طریق پورتال افغان جرمن آنلاين و سایت «آزمون ملی» به هموطنان عزیز معلومات دهید که حساب خصوصی بانکی من که عواید همه نمایندگی های افغانستان در سراسر جهان در آن واریز میگرددید در کدام بانک آلمان بود و شماره آن کدام است که ده ها هزار هموطن ما و شما در آلمان، به نوشته شما به خاطر «امور ویزه و قونسلی» پول های خود را به آن حساب فرستاده اند و شما به خاطر از آن حساب خبر دارید که به همان حساب به حیث سفیر افغانستان در کانادا به امر داکتر صاحب عبدالله وزیر امور خارجه پیشین، شما هم عواید سفارت افغانستان در کانادا را می فرستادید و هم از آن حساب معاش ربعوار خویش، مصارف سفارت و کرایه منزل خویش و منازل سایر دیپلومات ها را دریافت می داشتید.»

از همین رو من که مخاطب اصلی نوشته شما بودم، ۲۷ صفحه آن را عمودی مرور نمودم نه افقی، زیرا آن نوشته شما بر گه های اسناد خریداری لوازم دفتر و اقامتگاه، موضوع ختم وظیفه شما، راپور اجرائت یکساله سفارت (۷ صفحه)، موضوع خانه آقای غالب (۶ صفحه) تقرر و خدمتی خانم ملالی حمیدی (۱۱ صفحه) را احتوا می کرد که با متن پرسشی که من مطرح کرده بودم، همخوانی نداشت.

شما ایکاش مکاتیبی را که از جنرال قونسلی افغانستان مقیم بن دریافت داشته بودید، و یا مکاتیبی که به آن جنرال قونسلی فرستاده بودید، به نشر میرساندید، تا من به استناد آن مکاتیب، پاسخ ارائه میکردم.

شما در سطر ۷ صفحه ۳ نوشته تان «بر بنیاد تجارب تلخ» و «چشم دید هایی از ماموریت های سابق تان در خارج» از اخذ یک نقل مکاتیب و مراسلات سفارت یاد آور شده اید که من متأسفانه و یا خوشبختانه همچو تجربه را نداشتم، زیرا نظر به حجم کار جنرال قونسلی در بن، بایست چند کارتن سند را با خود حمل میکردم و مهمتر از همه اینکه: گمان داشتم اسناد دولتی را نباید از دفتر بیرون کرد، حتی خبر هم نداشتم که «این امر در تمام جهان قانونی بوده، مشکل و واهمه هم ندارد» به گونه ای که شما در سطر دهم صفحه ۳ نوشته تان تذکر داده اید.

شما در نوشته تان از کنایات و استعاراتی کار گرفته اید که به اصطلاح عوام الناس «سر آدم زود خلاص نمی شود» و مهمتر اینکه به پرسش روشن و مختصر من، ارتباط ندارد.

مثلاً در صفحه ۲ از طرف آخر سطر هفتم نوشته اید که: «اگر تا امروز مردم و زمین و آسمان ما بگوش جناب رئیس دولت فغان می زنند که اگر وجود مبارک جناب جگرن صاحب ضیاء مکان هستند ولی نه ضیاء افشان. او جواب ....!» (کذا فی الاصل) یا اینکه در صفحه ۴ از رئیس اداری که شاگرد بیژن خیاط معروف ایرانی بوده و حتی سفیر مادرید شده، یاد می فرمایید و نام وی را ذکر نمی کنید، خواننده را گیج می سازد. از جوانی از «اهل نظار» و پنجصد هزار دالر یاد می کنید و به او لقب (سرکوز) می دهید - که خدا کند من آنرا درست خوانده باشم - اما معلومه ای را در اختیار خواننده قرار نمیدهد.

در صفحه ۶ نوشته تان ترکیب اختصاری «کانادم» و ترکیب «مشاور جنسی» را با واژه «زایشگاه» طوری در دو سطر می گنجانید که خواننده را به شک می افکنید. خوانندگان از جنس، واژه انگلیسی SEX را برداشت می کنند، در حالیکه واقعیت امر اینست که هدف از آن Gender Adviser است. و شاید همه با مبادی منطق و تعریفات منطقیون آشنایی نداشته باشند، بناء چگونه هدف را آسان درک کنند که انسان «نوع» است و مرد و زن، «جنس» یعنی مرد و زن هم نوع هستند نه همجنس، و Gender به همچو جنس، ارتباط دارد نه به آن «جنس» دیگر!!

من هم با این مقدمه کوتاه، برداشت کلی خویش را راجع به نوشته شما که بایست پاسخ مختصر پرسش من می بود، نوشتم و در موارد یاد شده، زیاد حاشیه نمی روم و بار دیگر به شش صفحه نخست نوشته شما که شاید بخش اندک آن به من ارتباط داشته باشد، آنرا مرور دوباره می نمایم. شما از وصول تان به کابل در ۲۲ فبروری ۲۰۰۲ میلادی و دیدار باهم در سیمینار مارچ ۲۰۰۳ میلادی در کابل صحبت کرده اید، اما من رویداد قبل از ۲۲ فبروری را برای شما یاد آور میشوم که پذیرائی از شما و آماده کردن زمینه سفر شما و همراهان تان توسط هوایما های نظامی آلمان

به کابل بود که اینجانب همراه با برادر محترم سعدالدین سلجوقی به شهر کلن رفتیم، شما و همراهان تان را استقبال کردیم و .....

شما در نیشته تان یک ضرب المثل انگلیسی را نقل کرده اید که میگوید «من شما را دوست داریم» من هم در پاسخ آن ضرب المثل انگلیسی حدیث سیدالمرسلین و النبی العری را یاد آور میشوم که فرمود: کسی که به تو بگوید من ترا دوست دارم. در جواب بگو «احبک الله» اما جزء دوم آن ضرب المثل را که از کوتاهی حرف میزند، درین مورد مشخص «عواید صکوک» هرگز نمی پذیرم، اما بدون شک، کوتاهی های فراوانی دارم و به اساس فرموده خلیفه دادگستر حضرت عمر - رضی الله عنه - «رحمت خدا باد بر کسی که عیب هایم را بر من بنمایاند» من عیب های فراوانی دارم، اما با پول و ثروت اندوزی میانه خوبی ندارم و تا همین لحظه به فرموده داکتر شریعتی، آنرا «شیطان زرد» می انگارم.

شما در صفحه ۵ سطر ۱۵ از «از رایور عواید صکوک و انتقال مستقیم به جنرال قونسلگری افغانستان در بن» یاد آور شده اید که صد در صد و با احترام کامل آنرا می پذیرم اما آنچه میان قوسین (به جناب شما) نگاشته اید، هرگز آنرا نمی پذیرم، زیرا جناب شما به «جناب من» چرا عواید صکوک را بفرستید، شخصیت دانشمندی که ۴ سال قبل از تولد من (من متولد سال ۱۹۵۸ میلادی هستم) کارمند وزارت امور خارجه بودید، با این تجربه وافر و در عمر ۷۴ سالگی (زیرا شما چون متولد سال ۱۹۲۹ هستید بناءً در سال ۲۰۰۳ م ۷۴ ساله بودید) به کدام دلیل عواید صکوک را عوض اینکه، باز هم با اساس نوشته خود تان یعنی در سطر ۵ صفحه دوم نیشته تان «بدون کم و کاست، مستقیماً، به حساب نمبر ۶۰۰۱ عواید دولت افغانستان در د افغانستان بانک انتقال داده می شد و السلام! اگر یک سنت بود تا میلیون، مگر چرا» من هم همین دو کلمه شما را تکرار میکنیم «مگر چرا» شما پول عواید صکوک را نه یک بار، بلکه چندین بار به «جناب من» فرستاده اید، اگر دیگران نمیدانستند، شما میدانستید که در افغانستان حساب ۶۰۰۱ برای عواید دولت افغانستان وجود دارد.

جلالتماب سفیر صاحب؛ پوزش میخوام که شما را اینگونه سوال پیچ کردم، اگر آن پرسش را مطرح نمیکردم، خوانندگان به اصل موضوع و کنه مطلب پی نمی بردند، شما وقتی که پرسش نشر شده مرا در سایت های «افغان جرمن آنلاین» و «آزمون ملی»، مطالعه کردید، خود تان در پایان صفحه ۱۷ نیشته تان با خامه زیبای خویش آنرا «شکوة دوستانه» نامیده اید، و بر خلاف آنچه که در مصاحبه با خانم «سجیه» «حساب خصوصی» یا «حساب شخصی» خوانده بودید و در تبصره تان بر نیشته استاد ضیاء رفعت «چور و چپاول». در هر دو ادعا تجدید نظر کردید، و آن «حساب خصوصی» و آن «چور و چپاول» را تزیل رتبه دادید، زیرا شما در آغاز صفحه دوم نیشته تان نوشته اید که: «در موارد معین تخلفات صریح قانون و بی حسابی دارائی های ملی که البته جناب شما در آن جریان مجری آن قرار گرفته بودید و نه سرمنشأ آن» بناء خوانندگان عزیزی که نیشته های شما را با دقت دنبال می کنند می بینند که من و شما در «مجری» بودن از هم فرق نداریم. زیرا به من امر میشود، من از عواید صکوک، معاش شما را میفرستم، و شما هم عواید صکوک را عوض اینکه به حساب ۶۰۰۱ دولت بفرستید به جنرال قونسلگری افغانستان در بن می فرستید. البته طوری که بین قوسین (جناب شما) نوشته اید، به گونه ای که من قبلاً گفتم آنرا نمی پذیرم. زیرا این دو واژه (جناب شما) را در این نیشته جدید تان که آنرا ۸۰ سالگی نوشته اید، اضافه کرده اید، در حالیکه آن وقت که ۷۴ ساله بودید، یعنی در ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۳ م در مکتوب شماره ۹۸۶ مؤرخ ۳۰ عقرب ۱۳۸۲ در آن مکتوبی که به خامه زیبای تان در طرف چپ آن «عواید صکوک» نگاشته اید و مکتوب تان هم عنوانی دکتور حیدر رضا معین اداری وزارت امور خارجه ارقام یافته است و خوشبختانه این مکتوب را در صفحه ۷ مقاله ۳۴ صفحه ای تان شامل ساخته اید، در همین مکتوب در سطر ۱۰ نگاشته اید که: «صکوک ماه میزان...، عقرب... صکوک ربع ۳ و ۴ سال ۱۳۸۲... که جمعاً مبلغ ۵۱۲۷۴/۰۰ دالر کانادایی میشود، امروز ۳۰ عقرب کلا به حساب جنرال قونسلگری محترم افغانی در بن ارسال شد».

جلالتماب جمیلی صاحب!

خود مشاهده فرمائید که ۶ سال قبل، «حساب جنرال قونسلگری محترم افغانی در بن» گفته اید، در آن مکتوب شما، نام «فضل الرحمن فاضل» وجود ندارد، باز چرا ۶ سال بعد «جناب شما» را می افزایشید و به خوانندگان معلومات نادرست ارائه میدارید، و خوانندگان که قبلاً به حرفهای جوانان باور نداشتند، بعد از این حرفها و حتی نیشته های پییر مردان ۸۰ ساله را هم نمی پذیرند!!

حرف مهم دیگر اینکه شما حتی بعد از اینکه ختم وظیفه شدید، یعنی، زیر امر و فرمان به گفته خودتان کدام «سرمنشأ» هم نبودید، چرا این مبلغ گزاف ۵۱۲۷۴ دالر کانادایی را به حساب ۶۰۰۱ نفرستادید و به ادعای شما به

«جناب من» فرستادید. من چکاره؟ آیا شخص با تجربه ای چون شما این خطای جسیم و گناه عظیم را مرتکب می شود؟!

جمیلی صاحب، پوزش میخوام، که شما را این چنین مورد خطاب قرار میدهم، فقط بخاطر اینکه خوانندگان عزیزی که نیشته شما را خوانده اند، یا برنامه «میرمن سچی» را شنیده اند، بدانند که کار من اگر اشتباه بوده است، کار شما هم اشتباه بوده است، حتی اشتباه شما از من بزرگتر است، زیرا من تا زمانی که جنرال قونسل افغانستان در شهر بن بودم، به گفته شما چون «مجری» بودم، از عواید صکوک معاشات شما سفیران محترم را ارسال می داشتم، اما وقتی که ختم وظیفه شدم یک سنت (به کسر سین) هم به کسی نفرستادم، اما شما با وجودی که ختم وظیفه شدید، عواید صکوک را به «جناب من» فرستادید، چرا به حساب ۶۰۰۱ نفرستادید، چه گناه بزرگی! و خطای سترگی!

جلالتماب جمیلی صاحب، باز هم پوزش میخوام، اما بهتر است به خوانندگان عزیز معلومات غلط ارائه ندارم، وقت گرانهای خود و شما و خوانندگان عزیز را بیجا ضایع نسازم، واقعیت امر را برای شان بنگارم، آنهم نه به خاطر خود، بلکه به خاطر بزرگوارانی چون داکتر روان فرهادی و داکتر ظاهر طنین، نمایندگان دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد و ظاهر عزیز سفیر افغانستان در یونسکو، که چون عواید نداشتند من معاشات، مصارف، کرایه منازل حتی پول بیمه صحتی شان را از جمله عواید صکوک می فرستادم.

بلی به خاطر بزرگوارانی چون جلالتمابان مسعود خلیلی و استاد پویا فاریابی (سفیران وقت در ترکیه) داکتر رهین (سفیر در دهلی جدید) سید طیب جواد (سفیر در واشنگتن) همایون تندر (سفیر در بلژیک) عزیزالله کرزی و داکتر قاسم فاضلی (سفیران در پراگ) محمد کبیر فراهی (سفیر در ریاض) پروفیسور ملیحه ذوالفقار و حمید الله ناصر ضیاء (سفیران وقت در برلین) احمد ضیاء مسعود و زلمی عزیز (سفیران وقت در مسکو) یحیی معروفی و جاوید لودین (سفیران وقت در ناروی) انجنیر عبدالله علی و محمد موسی معرفی (سفیران وقت در روم) پروفیسور حقانی (سفیر در پاریس) محمد یوسف اعتبار و انجنیر توریالی غیائی (جنرال قونسلان در مشهد) سید محمد خیرخواه، داکتر مشاهده، محمد عمر داودزی (سفیران وقت در تهران) داکتر امان الله جیحون، محمود صیقل و انور زی (سفیران وقت در استرالیا) خلاصه کلام به گفته جناب جمیلی صاحب پیش از ۵۰ سفارت و ۱۶ جنرال قونسلگری که همه آن بزرگان عواید صکوک خویش را عوض اینکه به حساب ۶۰۰۱ بفرستند، به حساب شخصی!! من می فرستادند، آیا همچو اشخاص سزاوار اند تا بر کرسی های نمایندگی های افغانستان تکیه بزنند. و عواید صکوک را به حساب شخصی من بفرستند؟! و باز من چرا معاش، کرایه منازل، بیمه صحتی مصارف متفرقه، پول مستخدمین و قرطاسیه، تکت طیاره، حتی پول خرید عمارت سفارت در آلمان (بیش از ۳ میلیون یورو) پول ساختمان سفارت در «کانبری استرالیا» پول خرید زمین و ساختمان سفارت در قیمتی ترین شهر دنیا «توکیو» پول خریداری زمین و اعمار سفارت در ابوظبی، پول خرید سفارت در وارسا و چند جای دیگر و موارد دیگری که به خاطر ندارم، برای آنها بفرستم. خوانندگان میدانند که دیپلمات های افغانستان که شمارشان به بیش از ۲۰۰ نفر در خارج کشور می رسید، آیا عواید صکوک بگونه مثال در شش ماه در کانادا به ۳۹۹۹۴ دالر بالغ میگردد که حتی معاش دو نفر در شش ماه را کفایت نمی کند، جدا از کرایه منازل و کرایه سفارت، بیمه صحتی، و قرطاسیه و معاش مستخدمین و روغنیات و دعوت سفیر و اعضاء و متفرقه و فصل ها و باب های دیگر، بناء این فضل الرحمن فاضل که بچه خاله اش هم قدرت را انتقال داده است و دیگر رئیس جمهور نیست، این همه دالر و یورو را از کجا میکند. که به همه سفیران، وزیر مختاران، مستشاران، سکرتران اول، دوم و سوم حتی برای آتشفه های فرهنگی معاشات شان را می فرستند، حتی معاش درپوران، آشپزان، باغبانان، و معاش خانه سامان های همه نمایندگی های سیاسی و قونسلی را ارسال می دارد، واقعا هم قابل تأمل است؟

اما قبل از اینکه اصل موضوع را که بسیار ساده، واضح و برملا و منطقی است، برای تان بنگارم بایست یاد آور شوم: که در مدت تقریباً ۷ سال که من جنرال قونسل در بن بودم و هزاران قطعه مکتوب به امضای من به بیش از ۵۰ نمایندگی سیاسی و قونسلی در ارتباط ارسال معاش و مصارف و کرایه منازل مسوولان و کارمندان نمایندگی ها، فرستاده شده است. بناء همه ماموران وزارت خارجه در خارج کشور با امضاء و نام من آشنا بودند، اما من جز شمار اندک ایشان با دیگران معرفتی نداشتم و چون معاش و مصارف به نام شخص اول نمایندگی گسیل می گردید و به اصطلاح در جمع شخص اول نمایندگی قید بود، تنها با نام های همه رؤسای نمایندگی ها آشنا بودم و در مکاتیب مرکز عنوانی «بن» به طور مجمل نگاشته میشد که معاشات نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد به مبلغ ..... بالغ میگردد به آن نمایندگی بفرستید. تنها در حالات متفرقه نام برخی اعضاء در مکاتیب ذکر میشد، یا اینکه مسأله کرایه منزل و تکت طیاره مطرح میبود، در آنصورت نام اعضاء هم ذکر میگردید. بعد از اینکه به کابل رفتم با کارمندان سابق و سفیرانی که همه از طریق بن معاش دریافت می داشتند، وقتیکه با من معرفی میشدند، میگویند ما

منتظر نامه تو بودیم حتی آقای فهیم فرند دیپلومات و شاعر برابم گفت که از امضای تو هیچ امضایی چشم نواز تر نبود؛ زیرا امضای تو، یعنی پول و معاش ما و بالاخره .... در ماه سرطان سال روان که از طریق تهران جهت دیدار با زندانیان افغانستان عازم عراق بودم با جلالتمآب یحیی معروفی سفیر افغانستان در تهران دیدار نمودم اولین جمله او بعد از احوال پرسی همین بود که آرزو داشتم تو را ببینم، تویی که همیشه معاشات و مصارف ما را از بن در وقت معین می فرستادی.

خوانندگان عزیز!

حرف هایم با جلالتمآب جمیلی صاحب پایان یافت اما بگفته عوام الناس، هنوز سرشما خلاص نشده است و من این نیشته را جهت روشن شدن موضوع، برای شما عزیزانی می نویسم که اطلاعات غلط دریافت داشته اید بناءً، آنچه را مسؤولانه می نگارم به دقت بخوانید:

با انزوا قرار گرفتن افغانستان و افت در معاملات بانکی میان بانک های افغانستان و بانک های جهان، وزارت امور خارجه در انتقال معاشات کارمندان به وقت معین آن، با دشواری های وصف ناپذیری دست و گریبان بود، بناءً آن تعداد نمایندگی های سیاسی و قونسل افغانستان در خارج کشور که عواید صکوک داشتند به اساس هدایت وزارت امور خارجه از عواید صکوک، معاشات خود را اخذ میکردند، همچنان به دیگر نمایندگی هایی که عواید صکوک نداشتند، از طریق ایشان اجراء میگردد و گزارش آن به مرکز فرستاده میشد مثلاً «بن» که در آنوقت مقر سفارت افغانستان در آلمان بود معاشات سفیر و کارمندان نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل را میپرداخت سفارت افغانستان در تهران حوزه آسیای میانه را و جده، ریاض و کویت معاشات سایر کشورهای عربی مثل لیبیا، مصر، عراق، سودان و .... را از عواید صکوک کارسازی میکرد.

قبل از اینکه من به آلمان بیایم، در دورانی که جنرال قونسل افغانستان در برلین بود و سفارت افغانستان در بن و هنوز سفارت خانه ها دستور نیافته بودند تا به پایتخت تاریخی آلمان بعد از وحدت یعنی «برلین» بروند.

در بن و برلین به همت و توجه برادران دلسوز و آگاهی چون: آقای حفیظ الله ایوبی، داکتر جمراد جمشید، داکتر امان الله جیحون، و همکاری های بی شایبه عابد نجیب، سلطان محمد بنیاد، سعدالدین سلجوقی و عبدالجبار جاوید سیستم تحویلی پول در بانک، امر جبری بالای مراجعین قرار داده شد، یعنی هر دو نمایندگی افغانستان در شپارکسه بانک و دریزنر بانک، حساب افتتاح گردید و هر افغانی که پاسپورت اخذ میکرد یا وکالت نامه یا ... و خارجی ای که خواهان دریافت ویزه میبود، مکلفیت داشتند تا شخصاً پول خود را در بانک تسلیم دارند و با ارائه سند بانکی، کار او همان روز اجراء میگردد، و کسانی که پول خدمات قونسل را از طریق بانک میفرستادند؛ تا پول شامل حساب بانک نمیگردید، کارش اجراء نمیشد.

سفارت افغانستان در فیروزی سال ۲۰۰۰ م به برلین انتقال کرد و جنرال قونسل به شهر بن آمد و من در آغاز سال ۲۰۰۱ م به حیث جنرال قونسل در بن مقرر شدم. وضع موجود را که تحویل پول توسط مراجعین در بانک بود، به خاطر جلوگیری از استفاده های ناروا، نهایت مورد پسندم قرار گرفت و این شیوه را یکی از خوبی های محیط جدید یافتم، جلالتمآب جمیلی صاحب و هر دیپلومات افغان میداند که امر اکید وزارت امور خارجه به هر نمایندگی سیاسی و قونسل اش اینست که در بانک امضای دو نفر معرفی گردد. شخص اول و دوم نمایندگی یا آن شخصی که مسئولیت امور مالی بدوش اوست. سال ها قبل از آمدن من در «بن» این سنت (به ضم سین) نیک بر قرار بود و امضای دو نفر معرفی می شد و تسلیم شدن عواید هم از سلف، فقط امضاء در آخرین راپور بانک بوده و هیچ مسوول نمایندگی با پول فزینی در آلمان و شاید در برخی نمایندگی های دیگر سر و کار نداشت. من وقتی به بن آمدم امضای من و امضای برادر بزرگوار سعدالدین سلجوقی دیپلومات برجسته و برادر زاده علامه صلاح الدین سلجوقی، معرفی گردید، بناءً این حساب بانکی که متأسفانه «شخصی»! و «خصوصی»! خوانده شده است سال های قبل از من موجود بود و خوشبختانه که من دو سال میشود آلمان را ترک گفته و سلجوقی صاحب چند سال بیبیشتر از من، آن حساب هنوز وجود دارد. اما حالا یعنی دو سال میشود که من و چند سال میشود سلجوقی صاحب دیگر صلاحیت نداریم تا چک امضاء کنیم و بکسی یک سنت انتقال دهیم و شاید چندین جنرال قونسل دیگر بیاید و برود و حساب همان حساب باشد.

در این جا من به صفت شخصی که در حدود ۷ سال جنرال قونسل بودم، به همه، به ویژه ژورنالیستان علاقمند به تحقیق در این موضوع خیلی مهم یاد آور میشوم که جنرال قونسل بن سالانه در حدود ۱۵۰۰۰ تن مراجعین داشت، این ۱۵۰۰۰ تن از طبقات، اصناف، اقشار، مذاهب، اقوام گوناگون و خاندانان افکار متفاوت با هم بودند، از هر کسبکه در این مدت ۷ سال یا بیشتر از آن به نمایندگی های افغانستان در بن و برلین، جهت اجرای کارش مراجعت کرده باشد، بپرسند که اجرای کار در بن و برلین چگونه بود. لابد خواهند گفت که ما پول را به حساب بانکی جنرال

قونسلی افغانستان یا حساب سفارت افغانستان واریز می‌کردیم و بدون ارائه سند کار ما اجراء نمیشد. در مدت هفت سالیکه من در بن بودم یک سنت (به کسر سین) هم پول نقد از مراجعین گرفته نشده است و عواید دولت همه به حساب جنرال قونسلی واریز شده است که همه ثبت کتاب است در پهلوی سند تحویلی پول که مراجعین تسلیم داشته اند و راپوری که بانک مربوط هفته دو و یا سه بار به جنرال قونسلی می‌فرستاد که گزارش ربعوار آن به وزارت امور خارجه گسیل می‌گردید و ازین عواید جمع شده بعد از هدایت مرکز، معاش کارمندان جنرال قونسلی پرداخته میشد و معاش عده ای از نمایندگی هایی که عواید صکوک نداشتند یا کم داشتند مثل نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، سفارت افغانستان در وینا، مالیزیا، اندونزیا و برخی کشورهای دیگر. (این بود قصه عواید قونسلی در بن) جلال‌آب جمیلی صاحب در صفحه ۱۷ نوشته خویش از اعادهٔ تکس های دولتی و دریافت چک از کشور میزبان حرف زده اند که خوشبختانه این کار را هم من انجام داده ام و هم آنانی که قبل از من در بن مشغول خدمت بودند و اکنون هم این سنت (به ضم سین) ادامه دارد؛ اما با یک تفاوت که ما حساب بانکی عواید صکوک را از طریق وزارت امور خارجه آلمان به وزارت مالیه آن کشور معرفی داشته بودیم که وزارت مالیه بدون اینکه برای ما چک ارسال کند، مستقیماً تکس های اخذ شدهٔ دولتی را که در آن وقت ۱۶٪ بود و بعد ها به ۱۹٪ افزایش یافت، به حساب عواید صکوک جنرال قونسلی اعاده می‌کرد و تنها با گسیل نامه، از اعاده تکس ها خبر میداد که در گزارش های جنرال قونسلی به مرکز انعکاس یافته است.

خوانندگان ارجمند در نیشته جناب جمیلی صاحب در سطر ماقبل اخیر صفحهٔ نخست با عبارت «سیمینار ماه مارچ ۲۰۰۳ سفیران، (شارژدافیران) و جنرال قونسلان افغانستان» در مقر وزارت امور خارجه، برخورد کرده اند که برای موضوع مورد بحث ما نهایت مهم است و بایست جمیلی صاحب در مورد تصامیم آن سیمینار اشاراتی می‌داشتند، سیمینار ماه مارچ ۲۰۰۳ میلادی که در آن همه سفیران، شارژدافیران و جنرال قونسلان افغانستان برای مدت سه روز در مقر وزارت امور خارجه جمع شده بودند، گرد همائی مفیدی بود. در بحث هایی که صورت گرفت برخی اشتراک کنندگان از دیر رسیدن معاشات و کرایه منازل شان و دشواری هایی که با آن رو به رو بودند، به ویژه به خاطر اینکه در مسالهٔ کرایه منازل و جنجال با مالکان خارجی در یک کشور بیگانه که طرف هم دیپلومات باشد، شکایت داشتند، همچنان بانک های افغانستان خصوصاً د افغانستان بانک نمی‌توانست معاش اسعاری کارمندان وزارت امور خارجه را به تمام کشور ها برساند و شعبه محاسبه وزارت امور خارجه هم از استفاده از عواید صکوک توسط نمایندگی ها، شاکی بود. سرانجام تصمیم گرفته شد تا برای وزارت امور خارجه در خارج کشور، حساب بانکی افتتاح شود و عواید همه نمایندگی های سیاسی و قونسلی کشور در خارج به آن حساب انتقال یابد و کارمندان وزارت امور خارجه در خارج معاشات و مصارف شان را از آن طریق، به دست آورند. این تصمیم، تصمیم ساده ای نبود، وزارت مالیه، د افغانستان بانک حتی رئیس جمهوری و شورای وزیران نیز در جریان قرار داشت و به اساس مشوره خبرگان امور بانکی در وزارت و نظر وزارت مالیه و دافغانستان بانک، کشور آلمان برای این امر مهم انتخاب گردید و در آلمان هم جنرال قونسلی افغانستان در بن. من در اینجا خود ستایی نمی‌کنم و نمی‌گویم به خاطر صداقت و پاک نفسی یا امانت داری اینجانب «بن» انتخاب شده است، بلکه سهولت و شفافیت خدمات بانکی در آلمان عامل عمده در این انتخاب بوده است و این کار برای ما تکلیف بود نه «تشریف»!

همان بود که جنرال قونسلی افغانستان در بن دستور یافت تا هرچه زودتر برای وزارت امور خارجه دو شماره بانکی یعنی به یورو و دالر افتتاح بکند و به مرکز خبر داده شود. حساب بانکی برای وزارت امور خارجه تحت اشراف جنرال قونسلی افغانستان در بن گشایش یافت، امضای اینجانب و آقای سعدالدین سلجوقی و سپس امضای آقای نصرالله نوری دیپلوماتان آن جنرال قونسلی معرفی گردید. شماره های بانکی به مرکز معرفی شد و طبقاً نخستین پولی که از جمله عواید وارد حساب بانکی وزارت امور خارجه گردید، عواید صکوک جنرال قونسلی بن بود، سپس مبلغ شاید دو میلیون و چند صد هزار دالر امریکائی از د افغانستان بانک یعنی از کابل به آن حساب وارد شد تا معاشات کارمندان پرداخته شود. ارسال داشتن این مبلغ درشت از کابل به «بن»، به خوانندگان این افاده را میدهد که حساب، حساب شخصی! و خصوصی! نبود؛ بلکه متولیان حساب ۶۰۰۱ بانکی که همان وزارت مالیه و د افغانستان بانک باشد، خود به حساب زیر اشراف جنرال قونسلی، این مبلغ درشت را ارسال کردند و میدانستند که ذخیره گاه اسعاری وزارت امور خارجه در شهر «بن» قرار دارد.

همه نمایندگی ها وظیفه یافتند شماره های بانکی خود را به مرکز بفرستند، مرکز یعنی وزارت امور خارجه شماره های بانکی همه سفارت خانه ها و جنرال قونسلی های کشور در سراسر جهان را به جنرال قونسلی افغانستان در بن رسماً خبر داد، جنرال قونسلی هم این وظیفه جدید را با وجود حجم کاری فراوان بر دوش گرفت، جنرال قونسلی افغانستان در بن، کارهای خویش را به دو بخش الف و ب تقسیم کرد تا میان عواید صکوک بن و نمایندگی های



دیگر، خلط صورت نگیرد از این رو جلالتمآب جمیلی صاحب همه سفیران و مسوولان نمایندگی های افغانستان بعد از ۲۰۰۳ م در مکتوب هایی که به انتقال پول به آن نمایندگی ها و رسیدن پول از عواید صکوک آن نمایندگی ها به حساب وزارت امور خارجه، خبر میداد. مکاتیبی را که دریافت میداشتند، دارای رمز «ب» بود. در این جا می بایست یاد آور شد در مدتی که من جنرال قونسل افغانستان در بن بودم هیچگاهی، نه داکتر صاحب عبدالله و نه هم داکتر صاحب سپینتا راجع به عواید صکوک نپرسیدند که عواید چقدر جمع شده است؟ حتی به امضای داکتر صاحب سپینتا یک بار هم هدایتی مبنی بر انتقال معاشات یا مصارف از حساب وزارت امور خارجه به بن صادر نشده است و از داکتر صاحب عبدالله تنها یک مورد را به خاطر دارم که ارسال ۱۴۰ هزار دالر امریکایی به حساب نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ جهت سفر رئیس جمهوری و همراهانش جهت اشتراک در پنجاه و هشتمین اسامبله عمومی سازمان ملل متحد بود، شاید هم استعجالیت موضوع، داکتر صاحب عبدالله را وا داشته باشد. همچو امری را به بن صادر کند. بلکه گاه گاهی معین اداری داکتر صاحب حیدر رضا و اغلب رؤسای اداری وزارت امور خارجه، در مقاطع مختلف بالترتیب آقایان عزیزالله امین، گل احمد شیرزاده و عبدالرزاق یعقوب بودند که هدایت می دادند تا از عواید جمع شده در حساب وزارت امور خارجه در بن، معاشات، مصارف، کرایه منازل حتی خرید دفاتر برای سفارتخانه ها را اجراء نمایند. شیوه کار جنرال قونسل در آن زمان، چنین بود که:

۱. معین اداری و اکثر اوقات رؤسای اداری طی نامه ای به بن می نگاشتند تا از حساب وزارت امور خارجه مثلاً معاشات سفیر و کارمندان سفارت افغانستان در روم که طور مثال به یک صد هزار یورو بالغ می گردد، اجراء شود.

۲. با دریافت امر مرکز جنرال قونسل و ورقه ترانسفر بانکی را در سه کاپی تهیه میکرد، اینجانب و مسوول مالی آنرا امضاء می نمودیم. اصل به بانک مربوط ارسال میشد، کاپی اول در سکرتریت جنرال قونسل و کاپی دوم در دفتر مسوول مالی باقی می ماند.

۳. به نمایندگی ها خبر داده میشد که مبلغ یادشده، به اساس هدایت مرکز به شما ارسال گردید.

۴. به مرکز نگاشته میشد به اساس هدایت شما طی مکتوب شماره ..... مؤرخ ..... مبلغ یک صد هزار یورو وزارت امور خارجه به شمول پرداخت یا تکس بانکی به (....) ارسال گردید.

۵. با دریافت استمنت بانکی، اصل آن ضم اوراق دوسیه مالی میگردد و کاپی آن به سکرتریت تسلیم داده می شد تا با ترانسفر بانکی پیوست گردد و مقدار تکس نیز به مرکز اطلاع داده میشد.

۶. همچنان هفته وار به دسک بن در آمریت عمومی محاسبه وزارت امور خارجه، راپور دبت و کریدت حساب وزارت امور خارجه در بن ارسال میگردد. مرکز یعنی وزارت امور خارجه هر هفته می دانست که چه مقدار پول با تفکیک دالر و یورو در ذخیره گاه خویش در بن دارد.

خوانندگان عزیز به ویژه آنانی که در غرب زندگی دارند به خوبی میدانند که یکی از ویژه گی های معاملات بانکی در غرب، شفاف بودن آنست بناء آنچه در «حساب بانکی وزارت امور خارجه در بن» که نام رسمی آنست، نه حساب شخصی! کسی است و نه هم حساب خصوصی! در ایامی که من جنرال قونسل بودم و اینک آقای عبدالرزاق یعقوب جنرال قونسل هستند و در ایامی که داکتر صاحب عبدالله وزیر امور خارجه بودند و اکنون که داکتر صاحب سپینتا وزیر امور خارجه هستند، تغییر نیافته است و آنچه جمیلی صاحب در بخش ارائه نظریات در نظر مؤرخ ۲/۱۰/۲۰۰۹ م بر نبشته خویش نگاشته است که در سال ۲۰۰۸ م چند میلیون دالر از تمام نمایندگی های سیاسی به نام عواید صکوک به حساب ۶۰۰۱ وزارت مالیه انتقال داده شده است. من به حیث رئیس قونسل وزارت امور خارجه که دفتر من با دفتر رئیس اداری و مدیریت محاسبه کمتر از صد متر فاصله دارد، به خوبی میدانم که این تکرار همان شیوه ای است که من انجام میدادم، یعنی همه نمایندگی های سیاسی و قونسل افغانستان به حسابی که به نام وزارت خارجه در بن، افتتاح شده است عواید صکوک را میفرستند و سپس آن عواید از بن به کابل انتقال می یابد. ایشان از ماورای اقیانوس ها در مورد مشخصی که الف و یای آن را میدانم، چون من آگاهی ندارم و معلومات شان ناقص است.

حرف من به این جهت مسوولانه است که آنچه من نوشتم بعد از نشر به اطلاع مسوولان امر در وزارت خارجه می رسد، آخر من رئیس امور قونسل وزارت امور خارجه هستم، چگونه میتوانم در همچو مسأله مهم ادعای باطل نمایم!! و شما هم میدانید که کدام جهت رسمی و غیر رسمی صحت و سقم ادعای تان را، نمیبیرسد. اگر باور ندارید، به گفته خود تان در ۵۱ سفارت و ۱۶ جنرال قونسل شاید دوستانی فروانی داشته باشید از هر شخصی که در آن نمایندگی ها ایفای وظیفه می نمایند، میخواهید - به استثنای «بن»- فقط سوال مختصری نمایید که: آیا شما عواید

صکوک تان را یعنی در سال ۲۰۰۸ م به حساب ۶۰۰۱ وزارت مالیه فرستاده اید یا به بن؟ سوال دوم: آیا معاشات تان را تا همین اکنون مستقیماً از کابل دریافت میدارید یا از بن؟

آرزو مندم به بزرگواری تان پاسخ دریافت شده را، در دو سطر به اطلاع خوانندگان برسانید، و همچنان آرزو مندم حرف شما راست باشد و از من دروغ! و اگر حرف من درست بود، چه بهتر که انسان شرافتمندی چون شما اشتباه و خطای خویش را تصحیح کند.

پیامبر اکرم صلی الله و علیه وسلم می فرماید: همه انسانها خطا کاراند، و بهترین خطا کاران آنانی اند که توبه کنند و شرط توبه را هم میدانید که: «اعتراف به اشتباه است و انجام کار نیک در آینده» زیرا قرآن میگوید: «الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا»، - البقره، آیه ۱۶۰ -

خوانندگان ارجمند هم میتوانند، از دوستان شان در ۵۱ سفارت و ۱۶ جنرال قونسل آن دو سوال را بپرسند و پاسخ آن را به نشر بپارند. در اینجا من هرگز نمیخواهم ضرب المثل «تا سیاه روی شود، آنکه در او غش باشد» را به کار ببرم؛ بلکه هدف من تصحیح یک اشتباه است، نه چیز دیگری!

مهمتر از همه «میرمن سبیه» به حیث ژورنالیست نام دار و شخصیت بیطرف که در امریکا تشریف دارند، میتوانند عین سوالات را با سفارتکبرای افغانستان در واشنگتن، جنرال قونسل های افغانستان در لاس انجلس و نیویارک، مطرح سازند و پاسخ دریافت شده را به شنوندگان و بینندگان برنامه خویش تقدیم دارند و یا از داکتر ظاهر ظنین بپرسند که از وقتی که به نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، تشریف آورده است معاشات خویش را از کابل دریافت می کند و یا از بن؟!

خوانندگان گرامی یقین داشته باشند تا وقتی که سهولت های بانکی در کابل میسر نشود، این پروسه همچنان ادامه خواهد یافت.

چون در بالا از ویژه گی های معاملات بانکی در غرب صحبت کردم و شفاف بودن را آنرا ستودم، به خاطر این امر بود که ده سال بعد، هم که اگر همه اسناد و اوراق جنرال قونسل افغانستان در بن و در وزارت امور خارجه (به فرض محال) نابود گردند، با مراجعه به بانک مربوط در آلمان، هر سنتی که وارد بانک شده است با ثابته ورود و خروج آن، نام جهت فرستنده و جهت گیرنده و حتی مورد آن که معاش است، یا کرایه خانه و یا ... معلوم و هویدا است. یعنی بانک ها در آلمان و کابل «کان نمک کلفگان» و یا «معدن لاجورد بدخشان» نیست که در آن هرگونه تصرفی که صورت گیرد «جز حاضران صحنه» دیگران اطلاع نیابند. یا حساب های بانکی در آلمان بگونه ای نیست که دیوانه ای سنگی را در قعر چاهی اندازد که چهل وزیر در برون کردن آن، حیران بمانند و به اصطلاح، چهل مستوفی، حساب آنرا نداند. بلکه هر کسی با مراجعه اسنادی که همه در چهار جای یا شاید بیشتر محفوظ است میتواند، «سنت سنت» محاسبه کند، دالر، دالر و یورو یورو را بداند که از کجا ها آمده و به کجاها رفته است! بناء آسانترین بررسی در این مساله، بررسی مسایل بانکی است که در مورد تشویشی وجود ندارد. و خوانندگانی هم که با بانک ها، سرو کار دارند، در روشنی آنچه گفته آمد، پی برده اند که واقعیت امر چه بوده است.

به جمیلی صاحب و خوانندگان ارجمند یاد آور شوم که با وجود این شفافیت معاملات بانکی در آلمان و اخذ راپور هفته وار در کابل، به خاطر بررسی ایام کار من در جنرال قونسل افغانستان سه بار مسایل پولی و بانکی آن مورد تفتیش قرار گرفته است.

یک بار توسط اداره تفتیش و مدیریت محاسبه وزارت امور خارجه که من در بن جنرال قونسل بودم، در ایام وزارت داکتر صاحب عبدالله. بار دوم از طرف اداره کنترل و تفتیش ریاست جمهوری افغانستان، (عالیترین نهاد بررسی و تفتیش در کشور) در عهد داکتر صاحب سپینتا که من باز هم به حیث جنرال قونسل و وظیفه ام را پیش می بردم. و بار سوم از طرف مدیریت کنترل و تفتیش وزارت امور خارجه و شعبه محاسبه و قونسل وزارت، در دورانی که وظیفه من در بن، پایان یافته بود و من در کابل بودم و در غیاب من، کارهای دوران مرا در بن تفتیش و بررسی کردند.

خوشبختانه همان سانی که داکتر صاحب عبدالله از ارائه گزارش و شفافیت کارها در بن خرسند بود، داکتر صاحب سپینتا نیز همان سان رضایت خاطر داشت و در هر دو بار، از طرف تفتیش کنندگان و بررسی کنندگان برای من تقاضای تقدیرنامه درجه یک از طرف رئیس جمهور کشور صورت گرفت.

بار سوم نیز که در غیاب من بررسی صورت گرفت، من و جنرال قونسل بن در آن آزمون دشوار نیز پیروز و سربلند به در آمدیم، و من مستحق تحسین نامه شناخته شدم و یقین کامل دارم که استقبال گرم داکتر صاحب سپینتا وزیر امور خارجه در دفتر کارش از ورود من به کابل و توظیف در مدیریت مهم حقوق و معاهدات و سپس تقرر من

به حیث رئیس امور قونسل، اگر هیچ چیزی را ثابت نکند، بعد از آن بررسی و تفتیش، حد اقل این امر را ثابت میکند که من الحمدلله از تصرف ناجایز در عواید دولت به دور بوده ام.

باید یاد آور شوم که اینجانب بارها عواید صکوک جمع شده در حساب وزارت امور خارجه را که به چهار و پنج میلیون دالر و یورو می رسید، در پهلوی راپور هفته وار به ریاست اداری وزارت امور خارجه اطلاع میدادم و ریاست اداری مثلی که از قبل در عالم ارواح نبشته جلالتمآب جمیلی را خوانده باشد، به جنرال قونسل بن دستور میدادند تا مثلاً یک میلیون و یک و نیم میلیون یا بیشتر، به حساب دولت به د افغانستان بانک فرستاده شود که ما همچنان میکردیم. د افغانستان بانک هم معاشات کارمندان وزارت امور خارجه و هم مصارف و تخصیص شان را به بن میفرستاد. گاهی در حساب های بانکی، ما بیش از شش میلیون دالر در اختیار میداشتیم (شاید دهن برخی از خوانده این عبارت آب بزند !!) و گاهی هم میشد که چون معاشات و مصارف سفارتخانه ها و جنرال قونسل های کشور در سراسر جهان را اجراء میکردیم، با رسیدن استمنت بانکی میدیدیم که چند هزار از بانک قرضدار هستیم که البته با ارسال راپور هفته وار به مرکز، این نقیصه به زودی کاسته میشد، یا آمدن عواید نمایندگی ها به حساب وزارت امور خارجه، آن را جبران میکرد.

کسانی که با امور مالی و اداری سر و کار دارند، میدانند که ما چه جگر خونی داشتیم، فایل سازی برای هر سفارت خانه و جنرال قونسل، ترتیب اسناد، ضم ساختن سوابق، گاهی دلهره از نرسیدن پول، خوف از بلاک شدن معاشات کارمندی که در سفارتخانه های افغانستان در تهران، تریپولی، دمشق و خرطوم انجام وظیفه میکردند، با در نظر داشت تحریم های اقتصادی که خطر آن از ذهن آگاهان پوشیده نیست.

من گمان میبرم که با این تفصیل و شرح هر بنده خدا به قناعت میرسد و هر سوالیکه در مورد اگر باقی مانده باشد، من پاسخ میدهم، نظراتی هم در تبصره بر نبشته جلالتمآب محترم جمیلی صاحب نوشته شده است که من فرصت نیافته ام تا همه را بخوانم، به جز نبشته های جلالتمآب جمیلی صاحب، باقی نظریات را مرور سطحی نمودم. شاید هم برخی بر ضد من نوشته شده است، به دلیل اینکه ایشان بی اطلاع بوده اند، در مورد اغماض میکنم، حتی آنچه را که جلالتمآب محترم جمیلی صاحب ادعا کردند و در مورد شخص من در مصاحبه با «خانم سجه» گفتند به مثابه یک بزرگ و به فرموده پیامبر آزادی و آزادگی «من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا فلیس منا» حمل بر لغزش لسان و سهو قلم می نمایم، و اگر حرف درستی در این نبشته قامت افراشته است، پوزش میخوام و آرزومندم اگر کسی در مورد شک و اشتباهی دارد، بدون پیشداوری، تحقیق کند و جستجو نماید و به یقین جز آنچه من نوشتم، به نتیجه دیگری دست نخواهد یافت. و آرزومندم جمیلی صاحب و کسانی که با خواندن این نبشته من در نظریات شان تجدید نظر میکنند، از طریق پورتال افغان جرمن آنلاین، خوانندگان را اطلاع دهند.

خدای بصیر و خبیر، کارساز همه باد!

۱۳ میزان ۱۳۸۸ هـ. ش

کابل - ساعت ۰۴:۳۰ بامداد دوشنبه

یادداشت: به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانم که من از مقامات مربوط در وزارت امور خارجه تقاضا کرده ام تا صفحات محدودی از مکاتیبی را که در ارتباط عواید صکوک، از بن فرستاده ام و نامه های رد و بدل شده در پیوند با آنرا، در اختیارم قرار دهند و باور دارم که این تقاضای من، بی پاسخ نخواهد ماند اما من منتظر آن اسناد نمی نشینم و آنچه نوشته ام به دست نشر می سپارم.

با دست یافتن به اسناد، در صورت لزوم، میشود که «از زبان اسناد» چند صفحه دیگر را نیز سیاه کنم تا دوستانم مرا سپید رو تر بشناسند. ان شاءالله العزیز.

در اینجا می سزد از برادر ارجمندم قیس جان رحیمی که دست نویس بد خوان مرا تایپ کرده است سپاسگزاری نمایم. جزاه الله خیر الجزاء

کابل - نیمه شب پنج شنبه، هشت اکتوبر ۲۰۰۹ میلادی